

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۴۷)، تابستان ۱۳۹۸
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۵-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی
صص. ۲۹۲-۲۷۵

ارزیابی تأثیر بافت اسلامی بر احساس امنیت بر اساس اصول نسل دوم CPTED (مطالعه موردی: محله فهادان شهر یزد)

کرامت اله زیاری - استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
محمد سینا شهسواری - دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
اسماعیل نجفی* - دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۴

چکیده

احساس امنیت همواره یکی از نیازهای اساسی انسان در طول تاریخ بوده است. لذا هدف از انجام این تحقیق بررسی این نکته است که آیا اصول نسل دوم CPTED در میزان احساس امنیت بافت اسلامی محله فهادان یزد تأثیرگذار بوده است یا خیر؟ در این پژوهش از چهار شاخص فرهنگ جمعی، نظارت اجتماعی، آستانه ظرفیت و همبستگی اجتماعی به عنوان معیارهای نسل دوم CPTED استفاده شده است. همچنین از شاخص احساس امنیت نیز به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. روش این تحقیق پیمایشی است و از طریق پرسش‌نامه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنین محله فهادان شهر یزد می‌باشد که به روش کوکران نمونه‌ای به حجم ۳۶۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده است. برای بررسی اینکه آیا احساس امنیت در این بافت وجود دارد از آزمون T استفاده شد. در مرحله بعد با توجه به نوع متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج تحقیق بیانگر آن است که میزان احساس امنیت در محله فهادان با میانگین ۳/۶۲ در طیف لیکرت از وضعیت مساعدی برخوردار است، اما این شاخص با اصول نسل دوم CPTED در بافت اسلامی رابطه کاملاً معکوسی دارد. همچنین در بررسی میزان احساس امنیت به تفکیک جنسیت مشخص شد که مردان در بافت اسلامی برخلاف زنان با توجه به این اصول از احساس امنیت بیشتری برخوردار هستند. با تحلیل نتایج بدست آمده این نکته مشخص می‌شود که احساس امنیت موجود در بافت اسلامی ناشی از اصول نسل دوم CPTED نمی‌باشد و اصولاً دلیل آن را باید در موارد دیگری جست‌وجو کرد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، بافت اسلامی، اصول نسل دوم CPTED، محله فهادان، شهر یزد

نحوه استناد به مقاله:

زیاری، کرامت اله، شهسواری، محمدسینا، نجفی، اسماعیل. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر بافت اسلامی بر احساس امنیت بر اساس اصول نسل دوم CPTED (مطالعه موردی: محله فهادان شهر یزد). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۴(۲)، ۲۷۵-۲۹۲.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_667605.html

مقدمه

از جمله مسائلی که از دیرباز تاکنون در اشکال مختلف مطرح بوده و ابعاد و موضوعات مربوط به آن در گذر زمان، تنوع بسیار یافته، مقوله امنیت می‌باشد (Farshadfar & Niazi, 2014). در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی چون شهر گرد هم آمده‌اند، نظریات مختلفی بیان گردیده است که یکی از این نظریات، مسئله امنیت را در پیدایش شهر موثر می‌داند (Soltani et al., 2016). توجه به امنیت شهری به عنوان بستری اساسی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و در نهایت ایجاد شهری پایدار مورد اتفاق نظر عمومی نظریه پردازان شهری است (Zabihi et al., 2013).

ایمنی و امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان است که حتی در نردبان نیازهای انسانی آبراهام مازلو پس از نیازهای فیزیولوژیکی نظیر غذا، آب، در وهله دوم نیازهای انسانی قرار می‌گیرد. این نیاز نقش بسزایی در رشد و تأمین سایر نیازهای انسان دارد. نیاز به ایمنی از احساس خطر آغاز می‌شود. انسان‌ها در طول تاریخ راه‌حل‌های بسیاری برای برآوردن این نیاز خود اندیشیده‌اند. بدین ترتیب ایمنی و حس امنیت هر دو به احساس خطری بازمی‌گردند که در محیط پیرامون از سوی افراد جامعه درک می‌گردد (Farid Tehrani, 2011:45). عموماً برای تبیین مفهوم نظری امنیت دو بعد متفاوت ذکر می‌کنند: اول بعد عینی آن است که با پارامترهای عینی و رفتاری ارزیابی می‌شود و دوم بعد ذهنی، که براساس احساس امنیت از جمع درک می‌شود (Bemanian et al., 2009). در واقع اکثر صاحب نظران برآنند که امنیت مفهومی بیرونی و عینی است در حالی که احساس امنیت مفهومی درونی و ذهنی می‌باشد (Mousavi et al., 2015).

فضاهای شهری به عنوان مکان‌هایی که اقشار مختلف مردم در آن حضور می‌یابند، نیازمند طراحی آگاهانه هستند، به نحوی که رضایت مخاطبان را جلب نماید. یکی از معیارهای فراهم نمودن آسایش شهروندان در چنین فضاهایی، ارتقای امنیت محیطی است (Izadi & Haghi, 2015). در جوامع شهری امروزه عوامل گوناگون محیطی، سبب بروز انواع بزهکاری‌ها، بی‌قانونی‌ها و ناامنی در شهر شده‌اند. این در حالی است که بافت‌های شهری و محله‌های قدیمی ایران، از بُعد احساس امنیت و آرامش، شهره سایر شهرها بوده‌اند. اگرچه این مسئله، متأثر از ساختار اجتماعی و فرهنگی نیز بوده است، اما نباید از طراحی هوشمندانه کالبد این‌گونه محله‌ها غافل ماند (Azizi & Shaaban Jula, 2014). این فضاها از طریق طراحی خود که حمایت اجتماعی از شهروندان را به دنبال دارد، باعث افزایش احساس امنیت می‌شوند (Kinnvall, 2004).

یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (Kamran & Barabadi, 2010). عواملی که امنیت شهرها را از بین می‌برند و موجب تهدید یا کاهش امنیت شهرها می‌شوند، بسیارند و نوع طراحی کالبد فضاهای شهری، یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت شهرها هستند (Taghvaei & Haghghat, 2015). به عبارت دیگر محیط فیزیکی دارای برخی ویژگی‌های دائمی است که بر احساس امنیت شهروندان تأثیرگذار است (Perkins et al., 1990).

اسلام به‌عنوان یکی از ادیان الهی به مقوله امنیت و شهر بسیار توجه کرده است که تأثیر آن را می‌توان به عینه در ساختار کالبدی شهرها مشاهده کرد؛ به عبارت دیگر بین اسلام و زندگی شهری رابطه خاصی وجود دارد و ترویج اسلام با توسعه و ترویج زندگی شهری متجلی شده است (Zarrabi & Ali Nejad, 2010). به طور کلی شهرها پس از ورود اسلام به ایران با اجزای سه‌گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به همراه سایر محله‌های مسکونی، کاروانسراها و سایر فضاهای شهری همه با نظمی حساب شده در شهر جای گرفته‌اند (Pourahmad et al., 2011). در رابطه با اهمیت امنیت در اسلام، حضرت علی (ع) فرموده‌اند: "بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند." از دیدگاه مکتب اسلام نیز نخستین شرط یک اجتماع سالم، وجود امنیت است. در قرآن کریم در سوره ابراهیم آمده است که حضرت ابراهیم (ع) هنگام بنا نهادن کعبه به این امر مهم توجه داشته و همواره از خدای متعال خواسته است که این سرزمین را از نعمت امنیت برخوردار سازد (Delavar & Rezaei, 2007). از آنجا که شهر یزد از بافت‌های تاریخی بسیاری برخوردار است که محله‌های آن از اصلی‌ترین این بافت‌هاست (Mousavi, 2011). از آنجا که این محله در اکثر پارامترها برطبق اصول شهرسازی اسلامی طراحی و ساخته شده است، لذا هدف از نگارش این مقاله بررسی

میزان تأثیر بافت اسلامی بر احساس امنیت در بین ساکنان این محله بر طبق اصول نسل دوم CPTED می‌باشد؛ در این راستا فرضیه‌های ذیل تدوین و مورد بررسی قرار گرفت:

- اصول نسل دوم CPTED در افزایش احساس امنیت بافت محله فهادان تأثیرگذار است.
- اصول نسل دوم CPTED تأثیر یکسانی بر افزایش احساس امنیت زنان و مردان در بافت اسلامی ندارد.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین

نویسندگان و سال پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
Dekeseredy et al (2009)	کاربرد نسل دوم CPTED برای جلوگیری از سوء استفاده از زنان در جوامع روستایی	نسل دوم CPTED از طریق افزایش امنیت زنان از طریق نظارت اجتماعی، تغییر فرهنگ جامعه از مردسالاری به رویکرد فمینیستی و همچنین ارتقاء آستانه ظرفیت جامعه و انسجام اجتماعی باعث بهبود احساس امنیت زنان روستایی شده است.
Letch et al (2011)	بررسی عوامل موثر در افزایش احساس امنیت گروه‌های سنی مدرسه‌رو در تابستان در جزیره راتنست	بر طبق نتایج این تحقیق، از میان معیارهای نسل دوم CPTED، معیار همبستگی اجتماعی تأثیر بیشتری در کاهش برخی از مسائل اجتماعی مربوط به جرم و جنایت دارد و اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که بهبود وضعیت معیارهای نسل دوم CPTED، به طور قابل توجهی بر کاهش جرم و افزایش احساس امنیت دارد.
Saville & Cleveland (1997)	نسل دوم CPTED: راهکاری برای حل مشکلات اجتماعی طراحی شهری	بر طبق نتایج این پژوهش، نسل دوم CPTED در قیاس با نسل اول باعث افزایش بسیار بیشتر و واقع بینانه‌تر در زمینه احساس امنیت می‌شود و استراتژی‌های پیشگیرانه کاربردی‌تری در قیاس با نسل اول آن ارائه می‌دهد. همچنین این رویکرد، امکان جدیدی را برای ساخت جوامع با توجه به ماهیت اصلی CPTED فراهم آورده است.
Dekeseredy et al (2005)	کاهش خشونت علیه زنان در اماکن عمومی: آیا نسل دوم CPTED می‌تواند تفاوت ایجاد کند؟	راهکارهای نسل اول CPTED به تنهایی تأثیر کمی بر افزایش احساس امنیت دارد، زیرا به معیار همبستگی اجتماعی توجه چندانی ندارد. تأکید نسل دوم CPTED بر این معیار باعث می‌شود همسایگان با یکدیگر همکاری نزدیکی داشته باشند، ساکنان می‌توانند بر روی همسایگان خود برای انواع مختلف حمایت اجتماعی مانند مراقبت از کودکان حساب کنند، مردم برای جلوگیری از دخالت نوجوانان در اعمال بزهکارانه، مداخله می‌کنند. بنابراین نسل دوم CPTED در افزایش احساس امنیت، کارایی بیشتری دارد.
Abramovic & Van Dusen (2004)	نسل دوم CPTED: شکستن محدودیت‌ها (مطالعه موردی: شمال مرکزی)	کاربرد اصول نسل دوم CPTED در این منطقه باعث گشته تا این محله دارای سرزندگی اجتماعی در سطح بالایی باشد و همچنین باعث افزایش امنیت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، بروز تغییرات مثبت در جهت افزایش احساس امنیت، تعامل و نظارت اجتماعی و تغییر رفتار افراد در جهت بهبود اوضاع امنیتی منطقه گشته است.
Fisher (2008)	آنسوی نسل اول CPTED	به کار بردن راهکاری پیشنهادی نسل دوم CPTED، مانند زنده کردن فضای خیابان‌ها، بوسیله ایجاد یک بازار یا برگزاری یک رویداد فرهنگی برای جلوگیری از جرم و جنایت بیشتر از نظارت مکانیکی پیشنهاد شده در نسل اول تأثیر گذار است. به طور کلی، نسل دوم CPTED قصد دارد ابزارهایی را ایجاد کند که بوسیله آن‌ها جامعه را امن‌تر و برای زندگی لذت بخش‌تر کند، بدون اینکه در این راه کسی قربانی کسی دیگر شود.
Ghaffari et al (2013)	تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط‌های مسکونی	یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت محیطی، صرفاً پدیده‌های حاصل از مداخلات کالبدی (ایده‌های نسل اول) نیست بلکه پدیده‌ای نیازمند نگرشی عمیق و جامعه شناختی است که در قالب جاری ساختن ایده‌ها و اصول نسل دوم به عنوان مکملی بر نظرات نسل اول و در نهایت، اجرای این ایده‌ها توسط خود ساکنین محلات و با نظارت متخصصین امر در قالب گام‌های امنیت گسترده، از دل محلات سالم و پایدار برآمده و در طول زمان، تداوم می‌یابد.
Saville (1998)	ابزارهای جدید برای از بین بردن مکان‌های جرم‌خیز	کارایی نسل دوم CPTED به تغییرات اجتماعی برای حفظ تأثیر خود بستگی دارد. این نسل همچنین معیارهای جدیدی را ارائه داده که امکان بیشتری، برای جلوگیری از جرم و جنایت فراهم کند که یکی از این معیارها، ایده آستانه ظرفیت است.
Zanganeh et al (2017)	ارزیابی احساس امنیت شهروندان در بافت سنتی بر اساس اصول نسل دوم (CPTED) (مطالعه موردی: شهر سبزوار)	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین میزان تحصیلات و احساس امنیت با اطمینان لازم رابطه مستقیم برقرار نیست. یعنی هر چه میزان تحصیلات بیشتر باشد، احساس امنیت کمتری در بین آن افراد دیده می‌شود. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون تی، نشانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین احساس امنیت زنان و مردان است.

Source: Dekeseredy et al., 2009; Letch et al, 2011; Saville & Cleveland, 1997; Dekeseredy et al, 2005; Abramovic & Van Dusen, 2004; Fisher, 2008; Ghaffari et al, 2013; Saville, 1998; Zanganeh et al, 2017

در تعریف امنیت می‌توان گفت، که این کلمه از ریشه لاتین serurus گرفته شده که در لغت به معنای "نداشتن دلپره و دغدغه" است؛ بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش و اعتماد است (Khujani et al., 2014). همچنین دیکشنری لاروس امنیت را بدین شرح تعریف می‌کند: اعتماد،

آرامش روانی و نوعی تفکر بر پایه اینکه خطرات، ترس‌ها، وحشت‌ها و از دست دادن‌ها، معانی خود را به‌طور کامل از دست بدهند (Yazdanfar & Nazari, 2015). اندیشمندان طی بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان سه عنصر اصلی در وقوع جرایم مختلف می‌باشند. در این میان عنصر مکان در بروز انواع ناهنجاری‌ها نقش بسزایی دارد (Ziari et al, 2016). یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تامین کننده امنیت و فضاهای شهری نامناسب از بین برنده آن و زمینه ساز انواع آسیب‌ها و معضلات است. بر این اساس لزوم توجه به ارتباط بین آسیب پذیری افراد در فضاهای شهری و طراحی محیط زندگی پیش از پیش آشکار می‌شود (Lotfi et al., 2014).

چیدمان فیزیکی، نوع مسکن و چشم‌انداز محیط فیزیکی به طور مستقیم بر جرم تاثیر دارد (Sakip & Abdullah, 2012). نگرش پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)، یکی از دیدگاه‌های کاهش جرم است که بر پایه رویکرد پیشگیری وضعی بزهکاری قرار دارد (Kalantari & Beirami, 2011:11). می‌توان رویکرد CPTED را طراحی مناسب و استفاده موثر از محیط ساخته شده تعریف کرد که می‌تواند منجر به افزایش احساس امنیت و کاهش شانس وقوع جرم و بهبود کیفیت زندگی شود (Gibson & Johnson, 2013). این رویکرد شامل مجموعه‌ای از اصول طراحی شده برای افزایش احساس امنیت از طریق طراحی محیطی می‌باشد (Cozens et al, 2005). این نظریه طی سال‌ها دچار تغییر شده است؛ بدین ترتیب که سیر تحول این رویکرد را مشتمل بر نسل اول CPTED از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ با تمرکز بر اصلاحات فیزیکی محیط برای رسیدن به امنیت می‌دانند. به همین دلیل از سال ۱۹۹۷ با نقد نسل اول به جهت توجه مطلق بر اصلاحات فیزیکی رویکرد جدیدی شروع شد (Zarghani & Bakhshi, 2014). این رویکرد که به نام نسل دوم CPTED مشهور شد، به‌کارگیری جنبه‌های روانی و اجتماعی را به عنوان یکی از ارکان اصلی ایجاد امنیت پیشنهاد می‌کرد (Thorpe & Gamman, 2013). نسل دوم CPTED به مانند نسل اول آن از استراتژی‌های محیطی و ارزیابی خطر برای کاهش شانس وقوع جرم استفاده می‌کند با این تفاوت که این نسل، از تغییرات اجتماعی برای کاهش تاثیرات جرم بهره می‌برد (Wortley & Mazerolle, 2011). نسل دوم CPTED از فعالیت‌ها حمایت می‌کند. در واقع یک ناحیه شهری برای اینکه طراحی فیزیکی آن، فضای قابل دفاعی را به وجود آورد، به حمایت از فعالیت‌ها نیاز دارد. این حمایت از طریق اصول طراحی نسل دوم CPTED به وجود می‌آید (Saville & Cleveland, 1997). این اصول عبارت‌اند از: آستانه ظرفیت، همبستگی اجتماعی، ارتباط با خارج از محله و فرهنگ جمعی. می‌توان گفت که این اصول برگرفته از نظریات جین جیکوبز است که معتقد بود حس همبستگی اجتماعی، هسته اصلی خیابان‌های امن را تشکیل می‌دهد (Yazdanfar et al., 2013).

الف) آستانه ظرفیت: یک محله می‌تواند به عنوان یک اکوسیستم که دارای آستانه ظرفیت محدودی برای فعالیت‌های مشخص و کاربری‌های ترکیبی است در نظر گرفته شود (Cozens et al., 2002). شناخت این آستانه ظرفیت، جهت حفظ اکوسیستم جامعه محلی با ساختن بناها در مقیاس انسانی و کاربری‌های پیاده محور، بسیار مهم است (Cozens & love, 2015). این مفهوم دو ایده کاربری‌های متعادل زمین و نقطه سرازیری را در بردارد. این بدان معناست که اگر فعالیت‌ها و کاربری زمین در نقطه‌ای که همان نقطه سرازیری است از حالت تعادل خارج شوند، آنگاه جرم به وقوع پیوسته و تأثیر مخربی روی عملکرد فضا خواهد داشت (Ghaffari et al, 2013).

ب) همبستگی اجتماعی: همبستگی اجتماعی بوجود یا کمبود روابط اجتماعی که اساس جامعه را تشکیل می‌دهند، مربوط می‌شود (Carrasco & Usama, 2016). همان‌طور که قلمروبندی هسته اصلی نسل اول CPTED است، همبستگی اجتماعی نیز اساسی‌ترین اصل نسل دوم این دیدگاه می‌باشد. همبستگی اجتماعی رابطه‌ای است که بین افراد و گروه‌ها ساخته می‌شود. همبستگی اجتماعی می‌تواند به انواع مختلفی تقسیم شود که شامل ظرفیت تحمل، مسئولیت‌پذیری، مشارکت دموکراتیک و احترام متقابل می‌شود (Letch et al, 2011). در مقیاس محلی همبستگی اجتماعی معنی متفاوتی دارد و به معنای اعتماد متقابل در بین همسایه‌ها و رابطه عمومی میان آن‌ها و احساساتی است که باعث می‌شود آن‌ها از یکدیگر کاملاً حمایت کنند (Maguire & Showalter, 2016). Jack & Showalter می‌توان گفت محله‌هایی که دارای میزان بالاتری از همبستگی اجتماعی هستند، قادر به کنترل منطقه اطراف خود نیز می‌باشند و در نتیجه میزان وقوع جرم در آن‌ها کمتر است (Marzbali et al., 2014).

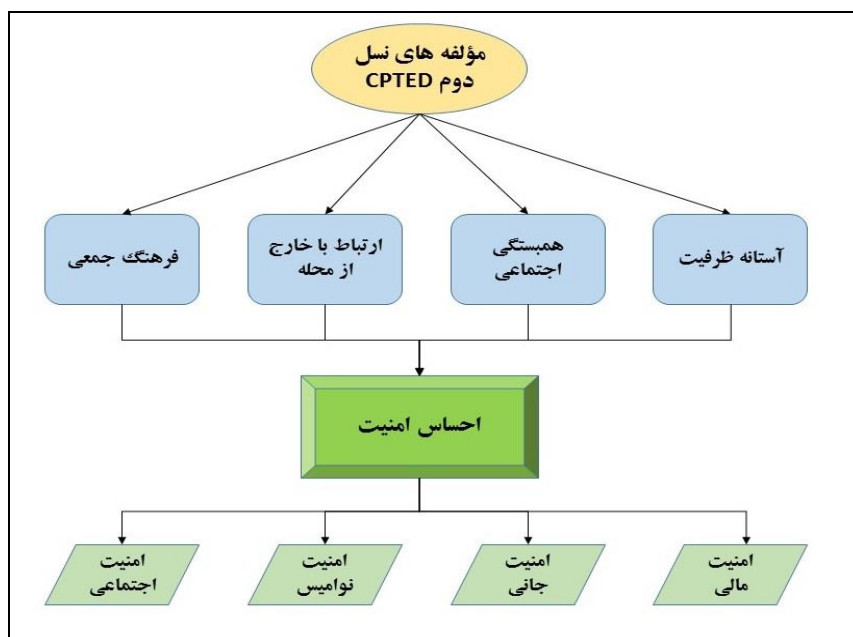
ج) ارتباط با خارج از محله: وجود ارتباط با خارج از محله برای پیشگیری از جرم بسیار ضروری است. همچنین بسیار مهم است که محله جدا نیفتاده باشد و با سازمان‌ها و گروه‌های خارجی رابطه مثبت داشته باشد. با ارتقا این‌گونه ارتباط‌ها نه تنها مشکلات حل

می‌شوند، بلکه گروه‌های کمک‌کننده اجتماعی هم در دسترس خواهد بود (Atlas, 2013:97). این موضوع که بزهکاری از طریق محیطی که باعث تعامل بیشتر افراد با یکدیگر می‌شود کاهش می‌یابد، موضوعی ثابت شده است (sarrafi et al., 2014:105).
 (د) فرهنگ جمعی: این زیرشاخه از نسل دوم CPTED به "تاریخ مشترک محله" که از طریق فستیوال‌ها، رویدادهای ورزشی، موسیقی، هنر و گردهمایی‌های اجتماعی به وجود آمده است، گفته می‌شود (Dekeseredy et al., 2005). این رویدادها ممکن است حس مالکیت مردم محله را برانگیزد و از نواحی مشترک، درست مانند محله خودشان محافظت کنند (Fisher, 2008). معیار فرهنگ جمعی گاهی اوقات به عنوان مفهوم خلق مکان نیز نامیده می‌شود (Dekeseredy et al., 2009) که یکی از مؤثرترین راه‌ها برای ایجاد مباحثات اجتماعی و دلیلی برای مراقبت ساکنین از خیابان‌ها و همسایگان خود می‌باشد (Ghaffari et al, 2013). جدول (۲) به خوبی ارتباط نسل دوم CPTED با اصول شهر اسلامی را بیان می‌کند.

جدول ۲. ارتباط اصول نسل دوم CPTED با آموزه‌ها و اصول اسلامی

شرح	اصول CPTED	آموزه‌ها و اصول اسلامی
اصول نسل دوم CPTED	آستانه ظرفیت	ممانعت از انجام اقداماتی که امنیت جانی، مالی، روانی و اخلاقی همسایه‌ها را تهدید می‌نماید (باز کردن نودان یا فاضلاب به معابر یا بستن معابر با وسایل مختلف، طراحی فضای اضافه در خارج از منزل، وجود روزنه و پنجره‌هایی خارج از عرف از نظر اسلام احتکار و خالی نگه داشتن مسکن بسیار مذموم است).
	همبستگی اجتماعی	امنیت شهروندان از کنترل و نظارت بر افراد غیر بومی و غریبه، پیامبر (ص): اگر همسایه‌ای به گونه‌ای زندگی کند که امنیت همسایه خود را در معرض خطر قرار دهد از قافله مؤمنان خارج شده است.
	ارتباط با خارج از محله	اختصاص مناسب‌ترین فضا برای تردد بانوان به منظور تأمین امنیت اجتماعی و اخلاقی.
	فرهنگ جمعی	چهل خانه از پیرامون، همسایه شما محسوب می‌شود و هر کس با همسایه‌اش اختلاف دارد سزاوار بهشت نمی‌شود. هر کس همسایه خود را بیازارد، بوی بهشت را خداوند بر او حرام گرداند.

Source: Clancey et al, 2012



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای است که با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. محدوده جغرافیایی تحقیق، محله فهادان واقع در شهر یزد است که به عنوان محله‌ای دارای بافت اسلامی شناخته می‌شود. این تحقیق با رویکردی کاربردی سعی در ارزیابی تأثیر بافت اسلامی بر احساس امنیت بر اساس اصول

نسل دوم CPTED دارد. در این پژوهش متغیر احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته، و چهار شاخص فرهنگ جمعی، ارتباط با خارج از محله، آستانه ظرفیت و همبستگی اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل به حساب می‌آیند. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنین محله فهادان شهر یزد (۶۰۳۷ نفر بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵) می‌باشد که به روش کوکران نمونه‌ای به حجم ۳۶۴ نفر به صورت تصادفی از بین آنان انتخاب شده است و نحوه پاسخگویی به متغیرهای مذکور به وسیله پرسش‌نامه، به دست آمده است. در واقع ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرسش‌نامه است که بر مبنای چارچوب نظری تحقیق و مطالعات پیشین طراحی شده است. ضمن آنکه برای تدوین مبانی نظری آن از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره گرفته شده است.

در این پژوهش در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و غیره استفاده گردیده است. در بخش آمار استنباطی نیز به دلیل تبدیل نمودن متغیرهای پژوهش به متغیرهای شبه فاصله‌ای، برای محاسبه میزان اهمیت یا وجود هر ویژگی به گزینه خیلی زیاد ۵، زیاد ۴، متوسط ۳، کم ۲، خیلی کم ۱، تعلق گرفت و سپس امتیاز هر گزینه با حاصل ضرب فراوانی در امتیاز هر گزینه محاسبه و سپس با محاسبه مجموع امتیازات گزینه‌ها، امتیاز هر سوال به دست آمد. با تقسیم جمع امتیازات بر تعداد افرادی که به آن گزینه پاسخ داده‌اند میانگین امتیازات بدست آمد. با توجه به آنکه میانگین امتیاز هر سوال عددی بین ۱ تا ۵ می‌باشد، لذا این معیار برای سنجش اهمیت سوال‌های یا گزینه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. سپس بر اساس نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه، مشاهدات میدانی و اسناد رسمی، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS پرداخته شد؛ بدین منظور در نرم‌افزار SPSS ابتدا برای سنجش میزان احساس امنیت از آزمون T-Test استفاده شده است؛ و سپس برای سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به نوع متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد؛ برای انجام این کار، ابتدا تک‌تک شاخص‌های نسل دوم CPTED را به صورت مجزا به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته و میزان همبستگی هر یک از آن‌ها با متغیر وابسته احساس امنیت سنجیده شده است؛ و سپس میزان همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته به تفکیک جنسیت بررسی شد؛ و در نهایت به بررسی کلی همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته پرداخته شد. در زیر به معرفی معیارها و زیرمعیارهای به کار رفته در پژوهش پرداخته شده است.

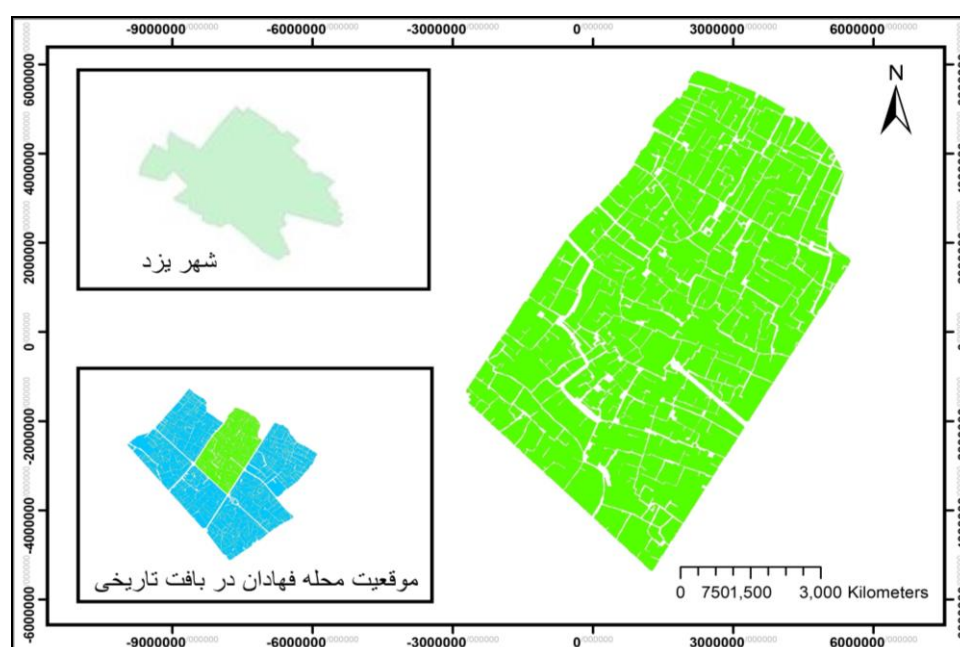
جدول ۳. معیارهای به کار رفته در پژوهش

معیارها	زیر معیارها
فرهنگ جمعی	میزان برگزاری جشنواره‌های فرهنگی
	میزان مشارکت مردم در نماز جماعت
	میزان تمایل افراد به انجام کارها به صورت گروهی
	میزان دید و بازدید با هم محله‌ای‌ها به طور مرتب
	میزان مشورت افراد با هم در مکان‌های جمعی مثل مسجد
ارتباط با خارج از محله	میزان تردد افراد غریبه در محله
	میزان ارتباط با افراد ساکن در خارج از محله
	میزان تمایل به برقراری ارتباط با افراد ساکن خارج از محله
	میزان تمایل به دیدن سایر نقاط شهر
آستانه ظرفیت	میزان ظرفیت خیابان‌های محله برای تردد جمعیت
	میزان آسایش و حس عدم شلوغی
	میزان فضای مختص افراد پیاده در محله
	میزان تناسب بین جمعیت و امکانات
	میزان ظرفیت خیابان‌های محله برای تردد خودرو
همبستگی اجتماعی	میزان احساس همبستگی با افراد محله
	میزان تمایل به برقراری رابطه دوستی
	میزان حمایت از همسایگان در مواقع خطر
	میزان اعتماد به همسایگان
	میزان نظارت اجتماعی
	میزان احتمال کمک به همسایگان در مواقع نیاز

Source: Clancey et al., 2012; Cozens & love, 2015; Yazdanfar et al., 2013

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر یزد در ۵۴ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۱ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است (Khalili et al., 2012). محله فهادان یا یوزداران به عنوان یکی از محلات دارای بافت اسلامی، از قدیمی‌ترین محله‌های شهر یزد است. همچنین شهر یزد نیز، خود یکی از باستانی‌ترین شهرهای ایران و مرکز شهرستان یزد محسوب می‌شود (Zanganeh Shahraki et al., 2011). محله فهادان در بخش تاریخی شهر یزد در قسمت شمال شرقی این شهر جای گرفته است. به‌طور دقیق‌تر محله فهادان در حد فاصل خیابان‌های امام خمینی در شرق، خیابان قیام در جنوب، خیابان سید گل‌سرخ در غرب و خیابان فهادان در شمال قرار گرفته است. در خصوص وجه تسمیه این محله باید گفت، از قدیم‌الایام محله مذکور، محل زندگی اعیان و بزرگان و سرشناسان شهر بوده است و فهادان برگرفته از کلمه فهد می‌باشد و به معنای دانایان و سرشناسان می‌باشد (Ajoor kar, 2007:16). این محله دارای دوازده زیر محله به نام‌های کشکنو، یوزداران (فهادان)، شاه ابوالقاسم، بازار نو، وقت و ساعت، شهر قلعه‌ای قدیم، قیصر، دو منار، دروازه شاهی، سرپلک، دارالشفاء و شاهزاده ابوالقاسم است (Falah Ali Abadi, 2013). جمعیت این محله طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۶۰۳۷ نفر بوده است (Statistical Center of Iran, 2016).



شکل ۲. موقعیت محله فهادان در بافت تاریخی شهر یزد

محله فهادان یک محله مهاجرپرست شهر یزد به حساب می‌آید، که این عامل باعث مهاجرت ساکنین اصلی آن، و جایگزینی مهاجران بیگانه که اغلب آنان افراد کم درآمدی هستند، شده است (Strategic development plan for old texture of Yazd, 2010). از نظر نقش اجتماعی - اقتصادی، می‌توان به این نکات اشاره کرد که اکثر بازارچه‌ها و بازارهای سنتی بافت تاریخی شهر یزد در این محله تجمع یافته که باعث شده شعاع عملکردی این محله فراتر از بافت تاریخی باشد؛ همچنین وجود مراکز آموزش عالی در این محله باعث جذب مراکز آموزشی و تجمع آن‌ها گردیده است؛ در نتیجه، نقش فرا محله‌ای فهادان را تقویت می‌کند (saraei et al., 2013).

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

این بخش از یافته‌ها برای شناسایی وضعیت نمونه آماری مورد مطالعه تنظیم شده و نتایج آن بیشتر به صورت درصد، فراوانی و میانگین آمده است. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از کل نمونه آماری که بالغ بر ۳۶۴ نفر است. ۴۱/۴ درصد کل پاسخ‌گویان را مردان و ۵۸/۶ درصد باقی مانده را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر تحصیلات ۷/۱ درصد پاسخ‌گویان بی‌سواد، ۲۶/۳ درصد نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات زیردیپلم، ۵۱/۵ درصد نمونه دارای مدرک دیپلم بوده و ۱۵/۲ درصد باقی مانده را افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی یا به عبارتی دیگر فوق‌دیپلم به بالا داشته‌اند، تشکیل داده‌اند. همچنین مشخصات سنی پاسخ‌گویان بدین صورت است که ۴۹/۵ درصد نمونه در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال، ۲۸/۳ درصد در گروه ۳۶ تا ۴۵ سال، ۱۹/۲ درصد در رنج سنی ۴۶ تا ۶۰ سال و ۳ درصد باقی مانده نمونه بالای ۶۰ سال قرار دارند. از نظر وضعیت تأهل، ۳۰/۳ درصد حجم نمونه را افراد مجرد و ۶۹/۷ درصد دیگر را جامعه متأهلین تشکیل داده است.

یافته‌های تحلیلی

شهر یزد یکی از قدیمی‌ترین و بهترین نمونه‌های شهرهای اسلامی در ایران است، محله فهادان این شهر یکی از نمونه‌های بافت سنتی شهرسازی ایرانی - اسلامی می‌باشد. این محله دارای تمام ویژگی‌های مهم یک بافت اسلامی از قبیل درون‌گرایی، جدایی‌گزینی قومی و غیره است. از این رو با توجه به ویژگی‌های این محله، این تحقیق در پی آن است که میزان احساس امنیت در این بافت را با توجه به اصول نسل دوم CPTED ارزیابی کند. بدین منظور ابتدا برای سنجش اینکه آیا واقعاً بافت اسلامی در میزان احساس امنیت شهروندان تأثیر دارد یا خیر، از آزمون T-Test استفاده شده است، که طبق یافته‌های تحقیق، از آنجایی که مقدار شاخص آماری آزمون یعنی $T = ۱۵/۶۶$ محاسباتی، از مقدار $T = ۱/۹۸$ جدول به ازای $DF = ۳۶۳$ و آلفا برابر با $۰/۰۵$ بیشتر می‌باشد بنابراین فرض H_0 مبنی بر اینکه بافت اسلامی در میزان احساس امنیت افراد تأثیری ندارد، رد شده و فرض H_1 پذیرفته می‌شود. لذا می‌توان این‌گونه بیان کرد که ادعای سؤال تحقیق مبنی بر اینکه بافت اسلامی باعث افزایش احساس امنیت شهروندان می‌شود با سطح اعتماد ۹۵ درصد درست می‌باشد و همچنین کمتر بودن sig که $۰/۰۰۰$ می‌باشد از مقدار آلفا که $۰/۰۵$ است، دلیلی بر درست بودن ادعا می‌باشد.

اما این تحقیق در پی آن است تا به این نتیجه دست یابد که بین اصول نسل دوم CPTED و احساس امنیت در بافت اسلامی همبستگی وجود دارد یا خیر. بدین منظور پرسشنامه‌ای برای سنجش این دو متغیر تنظیم شده و در سطح محله فهادان پراکنده است. برای بدست آوردن این نتیجه ابتدا میزان هر یک از شاخص‌های چهارگانه نسل دوم CPTED بدست آورده و سپس میزان همبستگی این شاخص‌ها با متغیر وابسته احساس امنیت مقایسه شده است؛ که براساس یافته‌های تحقیق میزان هر یک از شاخص‌های نسل دوم CPTED به شرح جدول (۴) بدست آمده است.

جدول ۴. میانگین اصول نسل دوم CPTED

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس
فرهنگ جمعی	۳/۴۹	۰/۷۴	۰/۵۵
ارتباط با خارج از محله	۲/۹۴	۰/۶۸	۰/۴۷
آستانه ظرفیت	۳	۰/۶۰	۰/۳۶
همبستگی اجتماعی	۲/۸۶	۰/۷۵	۰/۵۷

شاخص‌های CPTED

همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، میانگین کلی شاخص فرهنگ جمعی برابر با $۳/۴۹$ می‌باشد که بیانگر این است که اکثر افراد در پاسخ به گویه‌های این شاخص از میزان بالاتری برخوردار بوده‌اند؛ که از جمله دلایل بالا بودن این شاخص می‌توان

به بافت سنتی محله و شناخت ساکنان از همدیگر اشاره کرد، که این موضوع باعث می‌شود تا افراد نوعی احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر کرده و سعی در انجام اکثر کارهای خود به صورت جمعی داشته باشند و از انجام کارها به صورت انفرادی در اکثر مواردی که ماهیت جمعی دارند اجتناب نمایند. همچنین از جمله دلایل دیگر بالا بودن این شاخص، تأکید اسلام بر انجام کارها به صورت جمعی می‌باشد. در بافت اسلامی بنا به دستورات اسلام فضاهای جمعی زیادی مانند مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و غیره وجود دارند که این فضاها باعث می‌شوند.

مردم در مناسبت‌های گوناگون در آن مکان‌ها جمع شده و از مشکلات یکدیگر آگاهی پیدا کرده و باعث بالا رفتن میانگین شاخص فرهنگ جمعی بشود؛ که این موضوع را می‌توان از چگونگی پاسخ‌دهی افراد نسبت به این سؤال که، اینکه افراد در اماکنی مثل مسجد جمع شوند و درباره مشکلات صحبت نمایند دردی را دوا نمی‌کند، ۷۶ درصد از پاسخگویان جوابی منفی به آن داده‌اند؛ و در واقع آن‌ها معتقد بوده‌اند که مساجد نقش محوری در حل مشکلات محله دارند. همچنین ۸۰ درصد از پاسخگویان معتقد بوده‌اند که انجام کار به صورت شراکتی نسبت به انجام همان کار به صورت فردی بیشتر به نتیجه می‌رسد. در مجموع می‌توان این‌گونه بیان داشت که بافت اسلامی تأثیر بسیار مثبتی بر بالا بودن فرهنگ جمعی ساکنان خود شده است، که این موضوع را اسلام هم از طریق آموزه‌های خود و هم از طریق بناها و معماری‌هایی که در یک شهر اسلامی وجود دارد، باعث شده است.

بر طبق اطلاعات جدول (۴) میانگین شاخص آستانه ظرفیت برابر با سه می‌باشد، که از جمله دلایل بالا بودن این شاخص را می‌توان احساس آسایش ساکنین در این بافت و در واقع عدم وجود شلوغی و ازدحام در سطح محله دانست؛ اما بافت تو در تو و در واقع ارگانیک این محله به هیچ عنوان ظرفیت تعداد بالای وسایل نقلیه را ندارد. می‌توان این‌گونه بیان داشت که این بافت برای وسایل حمل‌ونقل زمان خودش مناسب بوده اما امروزه به دلیل وجود وسایل نقلیه حجیم‌تر و در تعداد بیشتر، کارایی بافت سنتی این محله در ارتباط با آستانه ظرفیت کاهش پیدا کرده است؛ به عبارت دیگر دلیل بالا بودن میانگین این شاخص، دال بر بالا بودن آستانه ظرفیت این محله نمی‌باشد، بلکه به دلیل پایین بودن میزان جمعیت در سطح محله است؛ زیرا خیابان‌ها، امکانات و خدمات این محله تنها قابلیت پاسخگویی به این میزان جمعیت را داشته، و در صورت افزایش جمعیت به هیچ عنوان توانایی پاسخ به نیازهای جمعیت را نخواهد داشت.

اکثر پاسخگویان در پاسخ به سؤال‌های شاخص ارتباط با خارج از محله گزینه‌های کم یا اصلاً را انتخاب نموده‌اند. به طوری که ۸۲ درصد از پاسخگویان نسبت به این سؤال که تا چه میزان برای کارهای روزمره از محله خود خارج می‌شوید، مقداری پایین‌تر از میانگین را مطرح نموده‌اند. از دلایل دیگر پایین بودن این شاخص عدم حضور افراد ناآشنا در این محله می‌باشد، که ۷۰ درصد نمونه معتقد بوده‌اند که تردد افراد غریبه در سطح محله میزان پایینی دارد؛ که این موضوع را می‌توان به دلیل ساختار سنتی و اسلامی محله دانست، زیرا محلاتی که دارای بافت اسلامی می‌باشند؛ اکثراً به صورت خودکفا بوده و یک نوع نگاه به درون دارند؛ و در واقع درون‌گرایی و خودکفایی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های محلات بافت اسلامی می‌باشد؛ که این موضوع هم به خاطر حفظ حریم خصوصی محله حتی در فضاهای عمومی آن با توجه به آموزه‌های اسلام می‌باشد.

بر طبق اطلاعات جدول (۴) میانگین شاخص همبستگی اجتماعی برابر با ۲/۸۶ می‌باشد؛ که بیانگر پایین بودن میزان همبستگی اجتماعی در این محله می‌باشد، در واقع این شاخص در بین دیگر شاخص‌های نسل دوم CPTED از پایین‌ترین میانگین برخوردار است، اما این بدان معنا نیست که افراد محله به هیچ عنوان به یکدیگر احساس همبستگی نکنند، به طوری که ۸۶ درصد از افراد در پاسخ به این سؤال که اگر هم محله‌ای من دچار مشکلی شود، حتماً به او کمک خواهیم کرد، پاسخ مثبت داده‌اند. این شاخص با معیار ارتباط با خارج از محله ارتباط معکوس دارد؛ زیرا با توجه به اینکه افراد محله چندان با خارج از محله ارتباط ندارند و در واقع دارای نوعی درون‌گرایی خاصی می‌باشند؛ با افراد محله خود احساس همبستگی بیشتری می‌کنند، اما می‌توان دلیل پایین بودن این شاخص را درون‌گرایی موجود در بافت اسلامی دانست که باعث شده تا افراد تنها به همسایگان و همچنین افرادی را که می‌شناسند احساس همبستگی کرده و نسبت به مابقی افراد همبستگی چندان نداشته باشند، که این موضوع در چند سال گذشته با توجه به مهاجر فرستی محله و جایگزینی آنان با افراد غریبه و ناآشنا تشدید شده است. به طوری که ساکنان اصلی محله با توجه به کمبود امکانات و خدمات در سطح محله به مناطق دیگر شهر مهاجرت کرده و افراد غریبه‌ای که توان مالی سکونت در مناطق دیگر شهر را ندارند مجبور به سکونت در این محله شده‌اند، که این موضوع بافت اصلی جمعیت محله را بهم ریخته و باعث عدم آشنایی و همچنین اعتماد افراد محله نسبت به هم شده است. این موضوع را می‌توان با توجه به نحوه پاسخگویی افراد نسبت به این گویه که

تا چه میزان به افراد محله خود احساس همبستگی می‌کنید دست یافت که، ۸۲ درصد پاسخ منفی داده‌اند و گفته‌اند همبستگی چندانی به آنان نداریم.

- شاخص احساس امنیت

بافت اسلامی به دلیل وجود نوعی معماری خاص که باعث درون‌گرایی و ایجاد حریم خصوصی برای افراد می‌شود و همچنین به دلیل آموزه‌های خود مبنی بر احساس مسئولیت افراد در قبال یکدیگر باعث افزایش احساس امنیت می‌شود؛ به طوری که اکثر پاسخگویان در پاسخ به گویه‌های معیار احساس امنیت، گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و مقدار این شاخص نیز از میانگین هم بالاتر بوده و برابر با ۳/۶۲ درصد می‌باشد؛ که این موضوع در رابطه با سؤال‌های مطرح شده نیز صادق است به طوری که ۶۴ درصد از پاسخگویان نسبت به این سؤال که زمان عبور از خیابان‌های خلوت در سطح محله به تنهایی چقدر احساس امنیت می‌کنید، پاسخ زیاد و خیلی زیاد داده‌اند. همچنین به دلیل اینکه افراد محله رفتار یکدیگر را کنترل می‌کنند، ارادل و اوباش کمتری در این محله وجود دارند، به طوری که ۷۳ درصد از افراد در پاسخ به این گویه که به خاطر وجود ارادل و اوباش در این محله ترجیح می‌دهم بیشتر در خانه بمانم، پاسخ منفی داده‌اند. همچنین مهم‌ترین مورد در ارتباط با احساس امنیت در رابطه با این سؤال نمایان شده است که؛ تا به حال به چه میزان در محله شاهد سرقتی بوده‌اید؛ تنها ۳ درصد از افراد نمونه گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و این نشانگر این موضوع است که به دلیل بافت اسلامی و نظارت اجتماعی که در سطح محله وجود دارد، میزان سرقت و دزدی در سطح محله بسیار پایین است.

در کل می‌توان گفت که مردم در بافت سنتی - اسلامی این محله احساس امنیت بیشتری داشته‌اند، به طوری که ۷۲ درصد از افراد در پاسخ به این گویه که امنیت در این محله پایین است و اگر شرایط بهتر شود به محله دیگری خواهیم رفت پاسخ منفی داده‌اند، در واقع به دلیل اینکه جمعیت در این محله پایین است و به دلایلی که در قسمت فوق بدان‌ها اشاره شد، افراد محله احساس امنیت بیشتری می‌کنند، زیرا محله در شهر اسلامی کاملاً فضای خصوصی محسوب می‌شود و افراد در سطح محله هیچ وقت احساس بودن در فضای بیرونی را نمی‌کنند و همواره که در سطح محله باشند احساس بودن در فضای درونی را دارند و حس خارج شدن از یک فضا وقتی که در کوچه‌ها، خیابان‌ها و غیره محله حضور دارند به افراد دست نمی‌دهد.

در واقع از آنجایی که خیابان‌ها در بافت اسلامی به عنوان فضای نیمه خصوصی در نظر گرفته می‌شوند و مردم نیز قلمرو خود را تا محدوده این خیابان‌ها گسترش داده‌اند باعث ایجاد نوعی حس مکان و نظارت اجتماعی می‌شود، که این خود به افزایش احساس امنیت کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر خیابان‌های پیچ در پیچ محیط‌های مسکونی سبب ایجاد صمیمیت، نظارت اجتماعی و حس مکان می‌شوند. نکته دیگر آن است که این شیوه پیوستگی مردم باعث شکل‌گیری مفاهیمی مانند هم‌محله‌ای، هم‌شهرداری در سلسله مراتبی تعریف شده می‌شود، که به نوبه خود منجر به دستیابی به پشتیبانی اعضای آن جامعه در شرایط و اوضاع خاص می‌شود.

- همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه با احساس امنیت

برای سنجش میزان همبستگی بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل از آزمون پیرسون استفاده شده است؛ که در طی آن تک‌تک شاخص‌های نسل دوم CPTED را، به صورت مجزا به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته و میزان همبستگی هر یک از آن‌ها با متغیر وابسته احساس امنیت سنجیده شده است.

جدول ۵. میزان همبستگی اصول نسل دوم CPTED با متغیر احساس امنیت

متغیر وابسته	فرهنگ جمعی	ارتباط با خارج از محله	آستانه ظرفیت	همبستگی اجتماعی
احساس امنیت	۰/۰۹۴	-۰/۱۲۹	۰/۰۱۶	-۰/۳۵۰

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود بین متغیر احساس امنیت و متغیرهای فرهنگ جمعی و آستانه ظرفیت در سطح محله فهادان رابطه مستقیمی وجود دارد؛ بدین صورت که در سطح این محله هرچه مقدار شاخص‌های فرهنگ جمعی و آستانه ظرفیت افزایش پیدا کرده است، میزان احساس امنیت نیز متعاقب آن بیشتر شده است، و بالعکس هرچه مقدار این دو شاخص

کاهش پیدا کرده است، میزان احساس امنیت نیز در سطح محله کاهش یافته است؛ اما این در حالی است که بین متغیر احساس امنیت با متغیرهای همبستگی اجتماعی و ارتباط با خارج از محله رابطه معکوسی وجود دارد؛ بدین صورت که با افزایش هر یک از این متغیرها میزان احساس امنیت در سطح محله کاهش پیدا کرده است و بالعکس؛ به عبارت دیگر میزان این همبستگی در هر یک از متغیرها متفاوت است؛ به طوری که این همبستگی در شاخص فرهنگ جمعی که برابر با ۰/۰۹۴ است بیشتر از آستانه ظرفیت که برابر با ۰/۰۱۶ است، می‌باشد. بدین معنی که متغیر فرهنگ جمعی، همبستگی قوی‌تری با متغیر وابسته احساس امنیت در قیاس با شاخص آستانه ظرفیت دارد. این موضوع در جهت منفی بسیار بیشتر از جهت مثبت دارای همبستگی است، به طوری که متغیر همبستگی اجتماعی با ۰/۳۵۰- و متغیر ارتباط با خارج از محله با ۰/۱۲۹- همبستگی قوی‌تری را نسبت به متغیر وابسته احساس امنیت در قیاس با متغیرهایی که جهت مثبت همبستگی داشتند، دارند.

- همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه با احساس امنیت (جنسیت)

با توجه به یافته‌های پژوهش و طبق جدول (۶) میزان همبستگی بین شاخص‌های مورد مطالعه و احساس امنیت در موضوع جنسیت تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول فوق نشان داده شده است، میزان همبستگی متغیرهای مستقل با وابسته در جنسیت زن رابطه معکوس و در جنسیت مرد رابطه مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر هر چه قدر میانگین شاخص‌های نسل دوم CPTED افزایش پیدا کرده، میزان احساس امنیت در بین زن‌ها کاهش پیدا کرده است. این موضوع در ارتباط با جنسیت مرد کاملاً متفاوت است به طوری که با افزایش میانگین اصول نسل دوم CPTED، مردان احساس امنیت بیشتری داشته‌اند. هرچند که رابطه مستقیم بین متغیر وابسته و مستقل در بین مردها چندان قوی نیست و تنها ۰/۰۳ است اما این رابطه در بین زن‌ها علاوه بر اینکه معکوس است، دارای همبستگی قوی‌تری نیز است و عدد ۰/۲۰۱- را نشان می‌دهد که بیان‌کننده تفاوت بسیار معناداری بین این دو گروه جنسیتی است. به طور کلی در معماری و بافت شهر اسلامی مردها احساس امنیت بیشتری دارند زیرا این‌گونه بافت‌ها با توجه به نیازهای مردان ساخته شده و از نظر طراحان آن (با توجه به زمان ایجاد بافت) زن‌ها بیشتر در فضای خانه و فضاهای شخصی‌تر حضور فعالی دارند نه در فضاهای عمومی و مردانه که بیشتر برای محیط کار است.

جدول ۶. میزان همبستگی اصول نسل دوم CPTED با متغیر احساس امنیت با توجه به جنسیت

متغیر وابسته	زن	مرد
احساس امنیت	-۰/۲۰۱	۰/۰۰۳

- همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه با احساس امنیت (به صورت کلی)

اگر به صورت کلی و با توجه به پاسخگویان، میزان همبستگی بین شاخص‌های نسل دوم CPTED با احساس امنیت در بافت اسلامی بیان شود به نتایج متفاوتی می‌توان دست یافت. با توجه به نتایج به دست آمده همبستگی معکوسی بین اصول نسل دوم CPTED و احساس امنیت در بافت اسلامی وجود دارد؛ به طوری که نتایج به دست آمده از آزمون پیرسون نشانگر عدد ۰/۱۱۱- است. در کل می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که هرچند احساس امنیت در بافت اسلامی بیشتر است اما این بدان معنا نیست که این احساس امنیت به دلیل شاخص‌های نسل دوم CPTED است؛ در واقع همان‌گونه که از نتایج همبستگی بین متغیر وابسته با شاخص‌های نسل دوم CPTED به دست آمد، این دو شاخص رابطه معکوسی با یکدیگر دارند، که افزایش میانگین شاخص‌های نسل دوم CPTED در بافت اسلامی، این عامل باعث کاهش احساس امنیت در بین افراد شده است و بالعکس؛ بنابراین بالا بودن شاخص احساس امنیت در بافت اسلامی را باید در عوامل دیگری جست‌وجو کرد نه در اصول مورد بررسی. همچنین معماری و بافت اسلامی با کوچه‌ها و خیابان‌های پیچ‌درپیچ و بافت ارگانیک به دور از اصول نسل اول CPTED می‌باشد و در طراحی شهری آن به هیچ عنوان نسل اول CPTED رعایت نشده است.

نتیجه‌گیری

احساس امنیت از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی است که به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان اثر می‌گذارد، بنابراین یکی از مهم‌ترین معیارهای شناسایی یک شهر خوب در عصر حاضر باید چگونگی احساس امنیت در آن شهر باشد؛ زیرا اگر در شهر یا محله‌ای احساس امنیت وجود نداشته باشد، خودبه‌خود باعث زایل شدن سایر شاخص‌ها شده، و زندگی در آن مکان را سخت می‌نماید. در شهر اسلامی به شاخص احساس امنیت و آرامش افراد در سطح شهر توجه ویژه‌ای شده است. لذا در بافت اسلامی با توجه به دستورات اسلام نوعی کالبد به وجود آمده که باعث ایجاد حریم خصوصی و به تبع آن افزایش احساس امنیت گشته است. در واقع در شهر اسلامی هیچ‌گونه فضای ناآشنایی وجود ندارد که باعث ایجاد احساس ترس در افراد شود؛ به عبارت دیگر فرد همواره احساس می‌کند که در داخل یک فضای درونی قرار دارد.

این پژوهش با توجه به معیارهای نسل دوم CPTED (فرهنگ جمعی، ارتباط با خارج از محله، آستانه ظرفیت و همبستگی اجتماعی) و ارتباط آن‌ها با شاخص احساس امنیت در بافت اسلامی انجام شده است. بر طبق یافته‌های تحقیق در زمینه بررسی فرضیه اول مبنی بر تاثیر اصول نسل دوم CPTED بر افزایش احساس امنیت در محله فهادان، ابتدا مشخص شد که بافت اسلامی (بافت غالب در محله فهادان) تأثیر مستقیمی بر افزایش احساس امنیت دارد. به‌طوری که اکثر پاسخگویان در پاسخ به گویه‌های معیار احساس امنیت در بافت اسلامی، گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و مقدار این شاخص در طیف لیکرت (۱-۵) از میانگین نیز بالاتر بوده و برابر با ۳/۶۲ درصد می‌باشد. همچنین براساس یافته‌های تحقیق از طریق آزمون T-Test، مقدار T احساس امنیت در بافت اسلامی برابر با ۱۵/۶۵ می‌باشد و این بدان معنی است که به‌طور حتم این‌گونه بافت و ساخت محله‌ها باعث افزایش احساس امنیت می‌شود. با توجه به اینکه در بافت ارگانیک اسلامی و کوچه‌های تنگ و تاریک آن به هیچ‌عنوان اصول نسل اول CPTED رعایت نشده، این مقاله بر آن شد تا احساس امنیت موجود در بافت اسلامی را با توجه به اصول نسل دوم CPTED بررسی نماید. به همین منظور ابتدا میانگین هرکدام از شاخص‌های این اصل به دست آمد؛ که به ترتیب بیشترین میانگین متعلق به فرهنگ جمعی، آستانه ظرفیت، ارتباط با خارج از محله و در رتبه آخر همبستگی اجتماعی بود.

سپس برای تعیین اینکه کدام یک از این اصول بیشتر در افزایش احساس امنیت نقش دارند، میزان همبستگی هرکدام از آن‌ها با متغیر وابسته یعنی احساس امنیت بررسی شد. بر طبق یافته‌ها، شاخص‌های فرهنگ جمعی و آستانه ظرفیت تأثیر مستقیمی بر افزایش احساس امنیت داشتند؛ اما شاخص فرهنگ جمعی تأثیر بیشتری در افزایش احساس امنیت نسبت به شاخص آستانه ظرفیت داشت. دو اصل دیگر نسل دوم CPTED یعنی ارتباط با خارج از محله و همبستگی اجتماعی تأثیر معکوسی بر افزایش احساس امنیت داشتند؛ در واقع با افزایش این دو شاخص، میزان احساس امنیت کاهش پیدا می‌کرد و بالعکس. ذکر این نکته ضروری است که شاخص همبستگی اجتماعی تأثیر منفی بیشتری نسبت به اصل ارتباط با خارج از محله داشت. لازم به ذکر است که جهت همبستگی منفی شاخص‌ها، قوی‌تر از جهت مثبت آن بوده است.

در مرحله بعد این فرض بررسی شد که بافت اسلامی تأثیر متفاوتی بر روی افزایش احساس امنیت در جنسیت‌های گوناگون داشته است؛ نتایجی که از طریق آزمون پیرسون به‌دست آمد، نشانگر این است که بافت اسلامی تأثیر معکوسی بر افزایش احساس امنیت زنان داشته و همچنین باعث افزایش احساس امنیت در مردان می‌شود. بر طبق یافته‌ها، میزان احساس امنیت در مردان در بافت اسلامی برابر با ۰/۰۳ بوده ولی این میزان برای زنان برعکس است و عدد ۰/۲۰۱- را نشان می‌دهد. این بدان معنی است که بافت اسلامی بیشتر بافتی مردانه است و با توجه به نیازهای مردها ساخته شده است و از نظر طراحان آن بیشتر فضاهای داخلی خانه متعلق به زنان است و به همین دلیل بافت اسلامی در فضاهای عمومی باعث کاهش احساس امنیت در زنان می‌شود.

در مرحله آخر تحقیق میزان احساس امنیت در بافت اسلامی بطور کلی و بدون توجه به جنسیت بررسی شد، که مبین این نتیجه بود که بافت اسلامی با توجه به اصول نسل دوم CPTED تأثیر معکوسی بر افزایش احساس امنیت داشته است و احساس امنیت موجود در بافت اسلامی متأثر از عوامل دیگری است. به‌طوری که عدد آزمون پیرسون برابر با ۰/۱۱۱- بوده است که نشانگر رابطه‌ای معکوس بین وجود احساس امنیت در بافت اسلامی و اصول نسل دوم CPTED است.

در کل با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد که یکی از دلایل پایین بودن احساس امنیت در محله فهادان، وجود راه‌های پیچ در پیچ و تاریک آن است. به این مورد باید سکونت مهاجرین در این محله را نیز اضافه کرد. بدلیل موارد ذکر شده، زنان به تنهایی در این محله احساس امنیت نمی‌کنند زیرا بدلیل خلوتی این محله هر لحظه امکان تعرض به آن‌ها وجود دارد. این مورد در میانگین

شاخص ارتباط با خارج از محله نیز به خوبی نشان داده شده است. همچنین با توجه پایین بودن میزان همبستگی اجتماعی و اینکه افراد آشنایی چندانی با هم ندارند، فرد در مواقع خطر به کمک کسی دسترسی ندارد و این خود باعث احساس ترس ساکنین محله و به طور ویژه زنان می‌شود. همچنین این محله میزان آستانه ظرفیت تقریباً پایینی دارد که این خود، امکان وقوع جرم را افزایش می‌دهد. می‌توان گفت این پژوهش که به بررسی میزان احساس امنیت در بافت‌های اسلامی بر طبق اصول نسل دوم CPTED پرداخته است، دارای دو ارزش نظری و عملی است:

از بعد نظری، این پژوهش به تجزیه، تحلیل و تبیین ادبیات نظری موضوعات مربوط به نقش طراحی مکانی در کاهش جرم، احساس امنیت، ویژگی‌های بافت‌های اسلامی به منظور افزایش احساس امنیت و تعیین نقاط ضعف و نارسایی‌هایی که در این گونه بافت‌ها وجود دارد، پرداخته است.

از بعد عملی، این پژوهش به نوبه خود با شناخت نقاط ضعف بافت سنتی برای ایجاد احساس امنیت و رفع آن‌ها به بهبود امنیت و آسایش در محله فهادان کمک می‌کند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند باعث آگاهی بیشتر مردم درباره محیط‌های ناامن و ایمن و نقش روابط اجتماعی و محیط فیزیکی در افزایش احساس امنیت شود که خود منجر به بسط روابط اجتماعی بیشتر بین آن‌ها و طراحی مناسب‌تر فضاها می‌شود.

در پایان با توجه به نتایج تحقیق و مشاهدات میدانی در بافت اسلامی به منظور افزایش احساس امنیت برای تمامی اقشار جامعه پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌شود:

- استفاده ترکیبی از اصول نسل اول و دوم CPTED در بافت اسلامی از قبیل نورپردازی بیشتر در خیابان‌ها و همچنین حذف نقاط گیر و بن‌بست‌های فاقد نظارت.

- شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش میزان تردد در آن‌ها از طریق ایجاد کاربری ترکیبی، به منظور افزایش نظارت غیر مستقیم در سطح فضای محله.

- کاهش میزان چیرگی جنسیتی فضا به کمک افزایش دادن حضور زنان در محیط و پیشنهاد فعالیت‌های سازگار با روحیه زنان در اماکن آسیب‌پذیرتر.

- حضور قوی نیروی انتظامی برای تأمین امنیت زنان و راه‌اندازی پلیس محلات با همکاری معتمدین محل.

- بهسازی بافت‌های فرسوده به منظور جلوگیری از ایجاد مخروبه‌ها و فضاها ناامن در عین حفظ ارزش‌های معماری سنتی و اسلامی.

- ایجاد فضاها و کاربری‌های عمومی نظیر مساجد، مدارس و پارک‌ها در مکان‌های کم‌رفت‌وآمد.

- ایجاد اختلاط کاربری در سطح کل محله، و افزایش تنوع فعالیت‌ها در سطح کل فضاهای محله به منظور حضور پیوسته مردم در طول ساعات شبانه‌روز و جلوگیری از خالی شدن و خلوتی محله در برخی ساعات.

References

- Ajor Kar, H. (2007). *Fahadan neighborhood revitalization and designing cultural complex in the center of texture*. Published Master's thesis, Tehran University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Atlas, R. (2013). *21st century security and cpted designing for critical infrastructure protection and crim prevention*. (2th Ed.). London & New York: CRC Publication.
- Azizi, M., & Shaaban Julla, E. (2014). Physical assessment of old urban neighborhoods in terms of their responding to a sense of security (Case Study: Malek Abad neighborhood in Qazvin city). *Studies in Human Geography*, 46 (4), 791-808. (In Persian)
- Bemanian, M., Rafieian, M., & Zabetian, E. (2009). Assessing factors that affecting the promotion of women's safety in urban environments (Case Study: the range around the City Park - Tehran). *Women's Journal*, 7 (3), 49-67. (In Persian)
- Carrasco, M. A., & Bilal, U. (2016). A sign of the times: To have or to be? Social capital or social cohesion? *Social Science & Medicine*, 159, 127-131.

- City Strategic Development Plan (CDS) for old texture of Yazd. (2010). (*In Persian*)
- Clancey, G., Lee, M., & Fisher, D. (2012). Crime prevention through environmental design (CPTED) and the New South Wales crime risk assessment guidelines: A critical review. *Crime Prevention and Community Safety*, 14 (1), 1-15.
- Cozens, P., Hillier, D., & Prescott, G. (2002). Criminogenic Associations and Characteristic British Housing Designs. *International Planning Studies*, 7 (2), 119-136.
- Cozens, P., & Love, T. (2015). A Review and Current Status of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED). *Planning Literature*, 30 (4), 1-20.
- Cozens, P. M., Saville, G., & Hillier, D. (2005). Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography. *Property Management*, 23 (5), 328-356.
- Dekeseredy, W. S., Donnermeyer, J. F., & Schwartz, M. D. (2009). Toward a gendered Second Generation CPTED for preventing woman abuse in rural communities. *Security Journal*, 22 (5), 178-189.
- Dekeseredy, W. S., Shahid, A., Renzetti, C. M., & Schwartz, M. D. (2005). Reducing Private Violence against Women in Public Housing: Can Second Generation CPTED Make a Difference? Repository Citation Reducing Private Violence Against Women in Public Housing: Can Second Generation CPTED Make A Difference? *CRVAW Faculty Journal*, 3 (1), 27-36.
- Delavar, A., & Rezaei, A. (2007). Comparative study of sense of security in Tehran, Yazd and country. *Security Journal*, 6 (21), 153-186. (*In Persian*)
- Fallah Ali Abadi, S., Giveh chi, S., Eskandari, M., & Sangi, A. (2013). Assessing vulnerability of historical context of cities against earthquake by using hierarchical analysis and Geographic Information System (Case Study: Fahadan neighborhood in Yazd). *Disaster Management*, 2 (1), 5-12. (*In Persian*)
- Farid Tehrani, S. (2011). *The fear in urban space*. (1st Ed.). Tehran: Armanshar. (*In Persian*)
- Farshadfar, Y., & Niazi, M. (2014). The relationship between religiosity and sense of social security among women in the north and south of Tehran. *Cognition Journal*, 23 (199), 1-20. (*In Persian*)
- Fisher, D. (2008). Crime prevention fact sheet series second generation cpted. Retrieved 2016, Jun.3, from <http://www.cpted.net>.
- Ghaffari, A., Nemati Mehr, M., & Abdi, S. (2013). Evolution of crime prevention- approach based on environmental design in residential environments. *Journal of Housing and Rural Environment*, 32 (144), 3-16. (*In Persian*)
- Gibson, V., & Johnson, D. (2013). CPTED, but not as we know it: Investigating the conflict of frameworks and terminology in crime prevention through environmental design. *Security Journal*, 29 (2), 1-20.
- Hedayati Marzbali, M., Abdullah, A., Razak, N. A., & Maghsoodi Tilaki, M. J. (2014). Examining social cohesion and victimization in a Malaysian multiethnic neighborhood. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 42 (4), 384-405.
- Izadi, M. saeid, & Haghi, M. R. (2015). Promoting the sense of security in public spaces using urban design (Case Study: Imam Square of Hammedan City). *Journal of Fine Arts*, 20 (2), 5-12. (*In Persian*)
- Jason, S., & Wilson, P. R. (2011). *City designing and prevention of crime*. (2th Ed.). Translated By Mohsen Kalantari and Abouzar Salami Beirami. Tehran: Azar Kalak. (*In Persian*)
- Kamran, H., & Shoa Bar Abadi, A. (2010). Evaluation of urban security in border towns (Case Study: Tayabad city). *Journal of Geography*, 8 (25), 25-46. (*In Persian*)
- Khalili, M., Moradi, G., & Rahimi, A. (2012). Analyzing the current situation and proposal plan of historical texture of Yazd in terms of accessibility to emergency services by using network analysis. *Journal of Urban and Regional Studies and Researches Prevention and Management*, 3 (13), 63-80. (*In Persian*)
- Khujani, H., Ebrahimi Sani, E., & Ghasemzadeh, J. (2014). Religiosity, Hijab and sense of

- social security (Case Study: Women 18 to 50 years in bojnurd). *Journal of Upbringing and Reforming*, 12 (150), 27–33. (In Persian)
- Kinnvall, C. (2004). Globalization and Religious Nationalism : Self , Identity , and the Search for Ontological Security. *Political Psychology*, 25 (5), 741-767.
- Letch, J., McGlinn, E., Bell, J. F., Downing, E., & Cook, D. M. (2011). An exploration of 1st and 2nd generation CPTED for end of year school leavers at Rottneest Island. In *Australian Security and Intelligence Conference* (pp. 38–48), Edith Cowan University, perth, Australia.
- Lotfi, S., Bordi Ana Morad Negad, R., & Sasani Pour, M. (2014). Investigating the sense of security in public spaces (Case study: Shiraz metropolis). *Journal of Research and Urban Planning*, 5 (19), 39–56. (In Persian)
- Maguire-Jack, K., & Showalter, K. (2016). The protective effect of neighborhood social cohesion in child abuse and neglect. *Child Abuse & Neglect*, 52, 29–37.
- Mousavi, M., Veysian, M., Mohammadi Hamidi, S., & Asghari, M. (2015). Sense of security in urban areas (Case Study: city of Sarakhs). *Journal of Geography*, 13 (45), 185–202. (In Persian)
- Mousavi, S. M. (2011). Investigating the Interaction of Urban Walking Spaces with Citizens by assuming Fahadan neighborhood in Yazd as a desirable example. *Journal of Studies of Urban Planing*, 1 (2), 157–171. (In Persian)
- Perkins, D. D., Florin, P., Rich, R. C., Wandersman, A., & Chavis, D. M. (1990). Participation and the social and physical environment of residential blocks: Crime and community context. *American Journal of Community Psychology*, 18 (1), 83–115.
- Pour Ahmad, A., Faraji Mullaei, A., Manouchehri, A., & Azimi, A. (2011). Impact of modernism on the physical - spatial development of Iranian- Islamic city (Case Study: Tehran). *Journal of Studies in Persian- Islamic City*, 2 (6), 47–61. (In Persian)
- Sakip, S. R. M., & Abdullah, A. (2012). An Evaluation of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) Measures in a Gated Residential Area: A Pilot Survey. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies*, 3 (10), 11–24.
- Saraei, M., Gholami, T., Pirasteh far, P., Haji Hosseini, S., & Jouya, N. (2013). Organizing and empowerment old texture of Fahadan neighborhood in Yazd. In *Fifth Conference of planning and urban management* (pp. 1–18), Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (In Persian)
- Sarrafi, M., Tavakoli Nia, J., & Mohammadian Mosammam., H. (2014). *New ideas in urban planning*. (1st Ed.). Tehran: Ghadyani. (In Persian)
- Saville, G., & Cleveland, G. (1997). 2nd generation CPTED: An Antidote to the Social Y2K Virus of Urban Design. In *2nd Annual International CPTED Conference* (pp. 1–19), Orlando University, Orlando, USA.
- Soltani, L., Beik Mohammadi, H., & Heydari, S. (2016). Spatial analysis of the sense of security in different urban neighborhoods (Case Study: Shahre Ghods). *Journal of Strategic Research on Security and Social Order*, 5 (3), 87–104. (In Persian)
- Statistical Center of Iran . (2016). General Census of Population and Housing in Yazd. Yazd: Statistical Center of Iran . (In Persian)
- Taghvaei, M., & Haghghat, M. (2015). Decoration of Tehran's parks and its impact on sense of social security (Case Study: Lavizan and Police Parks). *Journal of Geography*, 13 (44), 161–181. (In Persian)
- Thorpe, A., & Gamman, L. (2013). Walking with Park: Exploring the “reframing” and integration of CPTED principles in neighbourhood regeneration in Seoul, South Korea. *Crime Prevention and Community Safety*, 15 (3), 207–222.
- Wortley, R., & Mazerolle, L. (2011). *Environmental criminology and crime analysis: situating the theory, analytic approach and application*. . (1st Ed.). Routledge. New York: Routledge Taylor and Francis Group.
- Yazdanfar, A., Ghaemmaghami, S., & Ahmadpour, P. (2013). Applying design ideas to promote

- security of urban spaces. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 4 (1), 51-56.
- Yazdanfar, S. A. A., & Nazari, N. (2015). Proposed Physical-environmental Factors Influencing Personal and Social Security in Residential Areas. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 5 (170), 224-233.
- Zabihi, H., Larimian, T., & Purani, H. (2013). Providing an analytical model for promoting urban security through a security design approach (Case Study: District 17 of Tehran Municipality). *Journal of Urban and Regional Studies and Researches*, 5 (17), 119-136. (In Persian)
- Zanganeh Shahraki, S., Sauri, D., Serra, P., Modugno, S., Seifolddini, F., & Pour ahmad, A. (2011). Urban sprawl pattern and land-use change detection in Yazd, Iran. *Habitat International*, 35 (4), 521-528.
- Zarghani, S., & Bakhshi ShadMehri, F. (2014). Creating urban security through environmental design based on Islamic principles. In *Seventh Congress of Geopolitics of Iran* (pp. 1-25), Kharazmi University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Zarrabi, A., & Ali Nejad Tayyebi, K. (2010). An Analysis of the urban elements in the Islamic city. *Journal of Month of Art*, 3 (143), 16-27. (In Persian)
- Ziari, K., Heydari, A., Najafi, E., & Mohammadi, P. (2016). Evaluation of CPTED's first generation components in crime prevention (Case Study: Dastgheyb neighborhood of Tehran). *Journal of Law Enforcement*, 4 (15), 1-28. (In Persian)

How to cite this article:

Ziari, K., Shahsavari, M.S., & Najafi, E. (2019). Evaluating of the influence of Islamic texture on sense of security based on second generation cpted (Case Study: Fahadan Neighborhood of Yazd City). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 14(2), 275-292. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_667605_en.html